



Linguistic Research in the Holy Quran.
Vol. 13, No. 2, 2024
Research Paper

Nomenclature analysis and investigation of mystical interpretations from the perspective of the semantic core

Mohammad Bereihi Bahmanshiri, Yahya Mirhoseini*, Ahmad Zare Zardini

Ph.D. Student, Department of Quranic Sciences and Hadith, Faculty of Theology and Islamic Studies, Meybod University, Meybod, Iran

Associate Professor, Department of Quranic Sciences and Hadith, Faculty of Theology and Islamic Studies, Meybod University, Meybod, Iran

Associate Professor, Department of Quranic Sciences and Hadith, Faculty of Theology and Islamic Studies, Meybod University, Meybod, Iran


Abstract

Onomastics is one of the branches of linguistics that includes a wide field of various sciences; The history of Onomastics goes back to the end of the nineteenth century, which is the period of compiling the principles and rules of historical linguistics. This knowledge first studies the names from different geographical, historical, social, and linguistic angles and explains various signification realms regarding the reasons for the names, according to different aspects. In the linguistic realm itself, the structure of names can be examined and analyzed from different aspects. In the present research, we have analyzed the names of popular and famous mystical interpretations from the perspective of the semantic core, in a descriptive-analytical method. The obtained results of the research show that in the names where the word "facts" is the focus of the name of the work and the name has an additional structure, contrary to the common practice in such analyses, the second part should be considered the core of the composition. This feature is also seen in the works where the word "secrets" is used, while in many of the names of the interpretations that have the word "expression" added to them, the core of the composition is the same as their first part; In other words, these names are among the names inside the center. What is very worthy of attention in this research are the names that jar and majrour can be seen in their structure. Such cases can be included as additional compound names. In addition, in this field, we are dealing with names that we should consider as having no specific nucleus.

Keywords: Nomenclature, Onomastics, Quran Interpretation, Mystical Interpretations, Semantic core, Sufism.



This is an open access article under the CC- BY 4.0 License ([Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)).

 <https://doi.org/10.22108/NRGS.2024.140407.1935>

تحلیل و بررسی نام‌شناسانه تفاسیر عرفانی از منظر هسته معنایی

محمد بریهی بهمنشیری^۱، یحیی میرحسینی^{۲*}، احمد زارع زردینی^۳

۱- دانشجوی دوره دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه میبد، میبد، ایران

drbereihi@gmail.com

۲- دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، میبد، ایران

mirhoseini@meybod.ac.ir

۳- دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، میبد، ایران

zareardini@meybod.ac.ir

چکیده

دانش نام‌شناسی (Onomastics) یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی است که حوزه‌ای گسترده از علوم گوناگون را در خود گنجانده است؛ پیشینه نام‌شناسی به اواخر قرن نوزده میلادی برمی‌گردد که دوره تدوین اصول و قواعد زبان‌شناسی تاریخی است. در نام‌شناسی، مطالعه نام‌ها از زوایای مختلف جغرافیایی، تاریخی، اجتماعی و زبانی بررسی می‌شود. این دانش می‌کوشد قلمروهای مختلفی از نام‌ها را بکاود و درباره ساختار نام، وجه تسمیه و دلایل و توجیهاتی را برملا سازد که در ورای نام‌گذاری نهفته است. در پژوهش حاضر، به شیوه‌ای توصیفی تحلیلی، عناوین تفاسیر عرفانی گرد آمده و از جهت هسته معنایی، بررسی شده‌اند. نتایج به‌دست‌آمده پژوهش نشان می‌دهند در نام‌هایی که واژه «حقائق» به‌عنوان مرکز نام استفاده شده و نام دارای ساختار اضافی است، باید بخش دوم را هسته ترکیب در نظر گرفت. این ویژگی در نام‌هایی که واژه «اسرار» در آنها به کار رفته است نیز دیده می‌شود؛ در حالی که در بسیاری از نام‌های تفاسیر که واژه «بیان» در آنها استفاده شده، هسته ترکیب همان بخش اول نام است. به عبارت دیگر، این نام‌ها جزء اسامی درون‌مرکز شمرده می‌شوند؛ اما نکته بسیار مهم در این تحقیق نام‌هایی هستند که در ساختار آنها جار و مجرور دیده می‌شود. می‌توان این ساختارها را در گروه اسامی مرکب اضافی قرار داد؛ البته در این بین، اسامی و عناوینی وجود دارند که فاقد هسته مشخص‌اند. **واژگان کلیدی:** نام‌گذاری (تسمیه)، نام‌شناسی، تفاسیر عرفانی، هسته معنایی، تصوف.

۱- بیان مسئله

فراوانی است. همچنین، گویای مفاهیم و معلومات گوناگونی به ذهن مخاطبین است؛ از این رو، مؤلفان، مصنفان و صاحبان آثار، زمان زیادی را صرف گزینش نام برای آثار خود می‌کنند؛ زیرا آنان با انتخاب نامی خاص، درصد انتقال معانی، افکار و گرایش‌های فکری به ذهن

نخستین چیزی که هنگام روبه‌رو شدن با هر اثری توجه را به خود جلب می‌کند و شاید ذهن افراد را به خود درگیر کند، نام اثر است. به‌طور کلی نام آثار برای مخاطبان اهمیت بسزایی دارد. نام آثار حاکی از مطالب

توسط دانش نام‌شناسی می‌تواند مسائل فراوانی را درباره فکر و عقیده نگارندگان، میزان پیوند یا گسستگی نام و آثار، مشرب و گرایش فکری نگارنده و ... را روشن کند. همانطور که اشاره شد در این پژوهش کوشش شده است به شیوه‌ای توصیفی تحلیلی نام تفاسیر عرفانی متداول و معروف انتخاب و از نظر معنا و هسته معنایی بررسی شوند. در ضمن اشاراتی به اسم و ویژگی‌های آن رفته و مروری بر دانش نام‌شناسی و کاربردش شده است.

۱-۱- وجه نوآوری

براساس پیشینه‌ها، به نام‌شناسی در مطالعات اسلامی، به‌ویژه حیطه علوم قرآن، چندان توجه نشده است. پژوهشی در حوزه بررسی نام آثار و تألیفات به شکل کلی و در موضوع حاضر یعنی تحلیل و بررسی تفاسیر آن هم گرایش عرفانی از منظر دانش نام‌شناسی به رشته تحریر درنیامده است.

۱-۲- روش تحقیق و شیوه گردآوری اطلاعات

اساس کار این پژوهش بر نام‌شناسی استوار بوده و از روش «تحلیل محتوا/Content Analysis» و تحلیل گفتمان بهره گرفته شده و در کنار توصیف، از روش‌های مختلف تحلیلی نیز استفاده شده است. گردآوری منابع نیز از طریق فیش‌برداری کتابخانه‌ای است.

۲- پیشینه پژوهش

در ایران، مؤسسه یا انجمن مستقلی با عنوان نام‌شناسی یا مفاهیم مرتبط با آن وجود ندارد؛ اما به‌صورت محدود و البته پراکنده، پژوهش‌هایی در قالب کتاب، مقاله، مصاحبه و ... منتشر شده است. در بسیاری از فرهنگ‌نام‌ها، تنها به ارائه فهرستی از اسامی افراد و معنای آن اکتفا شده و دیگر جنبه‌های آن بررسی نشده است. شاید بتوان گفت از میان حوزه‌های مختلف نام‌شناسی، این جای‌نام‌هاست که بیش

مخاطب‌اند؛ به همین دلیل است که رادویانی عنوان و ظاهر حال را وسیله شناسایی اثر می‌داند (رادویانی، ۱۳۶۲، ص ۴). این کلام نشان می‌دهد پیشینیان نیز برای نام آثار اهمیت بسزایی قائل بودند؛ اما باید به این نکته اشاره کرد که نام آثار بعضی اوقات واضح و ساده، گاهی هنری و زمانی نیز با اشاراتی همراه است؛ به همین دلیل، تحلیل و بررسی نام کتاب‌ها می‌تواند مخاطب را با مباحث و زوایای گوناگونی که نگارندگان درصدد آنها بوده‌اند و غایت آنان نیز بوده است، معرفی کند.

بار مسئولیت بررسی و تحلیل نام‌های گوناگون بر دوش دانش نام‌شناسی قرار گرفته است که بخشی عظیم و دارای شاخ و برگ‌های زیادی است؛ این دانش کمک می‌کند تا قلمروهای مختلفی از نام‌ها درک شوند و درباره دلایل و توجیها پست نام‌گذاری‌ها بیشتر دانسته شود. همچنین، می‌توان ساختار نام‌ها را از جهات مختلف بررسی و تحلیل کرد. در طی بررسی این موضوع، موضوعات گوناگونی یافت شد؛ از جمله اینکه در این اسم چه چیزی به‌عنوان هسته قرار دارد و دلیل آن چیست. این اسامی در کدام گروه قرار می‌گیرند، «درون یا برون مرکز»؛ به هر حال، این دانش تاکنون تلاش کرده است با تحلیل زوایای گوناگون نام‌ها علاوه بر اطلاعات مهم در رابطه با نام‌گذاری، اسراری را که در وهله نخست، هنگام مشاهده نام، نمی‌توان متوجه آنها شد نیز آشکار و نمایان می‌سازد.

همانطور که بیان شد نام‌گذاری آثار علمی که معمولا گویای موضوع اثر است، همواره برای نگارنده و مخاطب، از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ اما در قلمرو تفاسیر قرآنی، باید به افکار، اهداف و گرایش فکری مفسر نیز دقت کرد.

گفتنی است در میان تفاسیر، گرایش عرفانی، یکی از گرایش‌های مهم تفسیری محسوب می‌شود؛ از این رو، بسیاری از تفاسیر، اندکی از آیات را به این شیوه تفسیر کرده‌اند؛ به همین دلیل، تحلیل و بررسی نام این آثار

اسامی مرکب درون‌مرکز و برون‌مرکز فارسی در غیر فارسی‌زبانان)، رویکردی شناختی معنایی، پژوهش‌های زبانی، سال ۹، شماره ۱، صص ۲۰ - ۱.

زندگی، بهمن، یوسفی‌راد، فاطمه، متشرعی، سید محمود، (۱۳۹۹)، (نام‌شناسی از منظر زبان‌شناسی شناختی اجتماعی با تأکید بر بافت کاربردی)، فصلنامه علمی - پژوهشی زبان‌شناسی اجتماعی، دوره ۹، شماره ۱۸، صص ۱۹۳-۲۱۲.

زندگی، بهمن، متشرعی، سید محمود، یوسفی‌راد، فاطمه، (۱۴۰۰)، (نقشه راه مطالعات نام‌شناسی: از رویکرد سنتی تا رویکرد شناختی - اجتماعی)، فصلنامه علمی پژوهشی زبان‌شناسی اجتماعی، دوره ۴، شماره ۲، صص ۱۱-۲۸.

در اثر زیر نیز ارتباط نام‌شناسی و علم تاریخ مطالعه شده است:

شیخ الحکمایی، عمادالدین و رامینا رضوان، (۱۳۹۸)؛ (دانش نام‌شناسی و پژوهش‌های علوم تاریخی، پژوهش‌های علوم تاریخی)، سال ۱۱، شماره ۲، صص ۱۶۶-۱۴۳.

در هر کدام از پژوهش‌های فوق، به جوانبی از کارهای انجام‌شده در این پژوهش اشاره شده و در هر کدام به‌طور مفصل درباره هر کدام از جوانب استفاده‌شده در پژوهش حاضر به پژوهش پرداخته شده است.

تا جایی که نویسنده بررسی کرده، در رشته علوم قرآن و حدیث در آثار زیر، از روش نام‌شناسی استفاده‌هایی شده است:

ایزدی مبارکه، کامران و لطفی، سید مهدی، (۱۳۸۸)؛ (نام‌شناسی نام‌های فردی علم رجال)، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال ۶، شماره ۲، صص ۳۳ - ۵.

رضایی کرمانی، محمدعلی و زارع زردینی، احمد، (۱۳۸۹)؛ (روش نقد و بررسی عنوان کتب و ابواب حدیثی از نگاه علامه محمدتقی شوشتری)، حدیث پژوهی،

از همه شایان توجه بوده است. در برخی آثار به نام ولایات، شهرها و محله‌ها اشاره شده و وجه تسمیه و نام کهن آنها بررسی شده است؛ از جمله:

سلطان محمدی، ابراهیم، (۱۳۹۸)؛ دماوند در اذهان گذشتگان: نام‌شناسی دماوند: چهار محله (محله فرامه، محله قاضی، محله درویش، محله چالکا) تهران، انتشارات فراموشی.

جدی یل سوئی، منصور، (۱۳۹۹)؛ نام‌ها و نامیده‌های جغرافیایی منطقه اردبیل براساس اسامی جغرافیایی، تاریخی، اسطوره‌ای، تسمیه‌شناسی و ائیمولوژی (ریشه‌شناسی)، اردبیل، انتشارات سپهر فروزان.

پژوهش‌های صورت گرفته به‌جز مبحث نام‌شناسی، هیچ ارتباط دیگری با عنوان حاضر ندارند. همچنین، به نام‌شناسی در رشته ادبیات فارسی نیز توجه شده است؛ از جمله:

دولتی‌بخشان، عبدالعزیز، (۱۳۸۸)؛ نام و نیم‌نام فرهنگ نام‌های بلوچی: بررسی مردم‌شناسی نام اشخاص در زبان بلوچی، تهران، انتشارات پازینه؛ اختصاص به نام اشخاص دارد؛ ولی در پژوهش حاضر صرفاً با نام کتاب‌ها سروکار داریم.

فارغ از این، در موضوع‌های نام‌شناسی، اسامی مرکب، درون و برون مرکز و ... پژوهش‌های متعددی در زبان فارسی انجام شده که در زیر به مواردی از آنها اشاره شده است:

سبزواری، مهدی، (۱۳۹۲)؛ (تیین و تحلیل رابطه‌های معنایی در اسامی مرکب برون‌مرکز فارسی معیار)، پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال ۱۲، شماره ۱، صص ۶۱ - ۴۵.

زندگی، بهمن و بهزاد احمدی، (۱۳۹۵)؛ (نام‌شناسی اجتماعی شناختی؛ حوزه نوین مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ۹، شماره ۱، صص ۹۹-۱۲۷.

منتظری، سارا و دیگران، (۱۳۹۷)؛ (درک معنایی

شماره ۴.

پاکتچی، احمد، (۱۳۸۲)؛ (گونه‌شناسی نام‌های کتبه‌سان برای مطالعه رجال حدیث)، مقالات و بررسی‌ها، شماره ۷۴، ص ۴۰ - ۹.

گرامی، سید محمدهادی، (۱۳۹۷)؛ (تاریخ‌نگاری گفتمان‌های حدیثی مبتنی بر تحلیل عناوین کتب مفقود در کتاب رویکردهای نوین در حدیث‌پژوهی شیعه)، دانشگاه امام صادق(ع)، ص ۱۳۳ - ۱۱۱.

در نهایت در حیطه علوم قرآن و حدیث تنها موارد فوق به مباحث نام و نام‌شناسی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم پرداخته‌اند که همه آنها به‌صورت کلی از چارچوب پژوهش ما خارج‌اند.

۳- نام‌شناسی

یکی از حوزه‌های جدید مطالعاتی و پژوهشی در رشته‌های مختلف علوم انسانی، نام‌شناسی «Onomastics» است؛ اونوماستیک از واژه یونانی «Onomazein» گرفته شده و معنای آن «نامیدن» است. این اصطلاح به حوزه مطالعاتی اشاره می‌کند که با منشأ و صورت‌های اسامی، اشخاص، مک آنها و ... سروکار دارد؛ به‌عبارتی، نام‌شناسی همان مطالعه نام‌ها و نام‌گذاری است (ویلر، ۲۰۱۸، ص ۲). پیشینیان دانش نام‌شناسی را شاخه‌ای منشعب از معنی‌شناسی می‌دانستند که اصطلاح مشهور آن «وجه تسمیه» است؛ اما اندکی پس از آن به دلیل چندبعدی بودن نام‌ها، به نام‌شناسی از دیدگاه‌های دیگری نیز توجه شد که در مهم‌ترین تحول، با روی آوردن محققان به تحلیل و بررسی نام از منظر اجتماعی، شاخه جدیدی با همین نام به وجود آمد که یکی از زیرشاخه‌های «زبان‌شناسی اجتماعی» به شمار می‌رود (زندلی و احمدی، ۱۳۹۵، ص ۱۰۰).

اما شورای بین‌المللی دانش نام‌شناسی یا همان «ICOS» از نام‌شناسی و حوزه‌های آن تعریفی جامع‌تر ارائه می‌دهد. این شورا نام‌شناسی را مطالعه نام‌های افراد،

مک آنها و هر گونه اسم خاص را از این قبیل می‌داند و سپس به تحلیل، بررسی و مطالعه تاریخچه نام اشخاص یا نام‌های به‌دست‌آمده از گروه‌های گوناگون اجتماعی یا اماکن خاص می‌پردازد.

در بدو مواجهه با حوزه نام‌شناسی، در وهله نخست به نظر می‌رسد نخستین موضوع شناخت خود اسم است؛ به مرور زمان از پیشینیان تاکنون تعاریف گوناگونی را برای اسم به کار برده‌اند؛ برای مثال: جرجانی در کتابش با نام *التعریفات* دو ویژگی «دارای معنا» و «غیر مقید به زمان» را از جمله خصوصیات اصلی اسم نامبرده است (جرجانی، ۱۳۷۷، ص ۱۴). در کنار این دو ویژگی، اندیشمند دیگری معتقد است: «اسم کلمه‌ای است که برای تعیین کردن و نامیدن امور به کار می‌رود؛ مانند سنگ، انسان دانش، رفتن» (فرشیدورد، ۱۳۸۸، ص ۱۸۱).

پر واضح است در این تعریف به دلیل اینکه نامیدن، خود کانون تعریف است و نمی‌توان چیزی را با خودش تعریف کرد، پس دو مؤلفه «نامیدن» و «امور»، موجب ابهام می‌شوند، بلکه نام شیئی است برای نام‌گذاری؛ البته از نظر دیگر، مقصود از «امور» نیز مشخص نشده است. دلیل اینکه رابرت پالمر تعریف یا دست‌کم روشن کردن خصوصیات نام را امری سخت و دشوار می‌داند و معتقد است: «در دستور سنتی اغلب تعریفی برای تشخیص اسم از صفت، فعل، حرف اضافه و غیره وجود دارد، به این ترتیب که «اسم بر شخص یا چیزی دلالت می‌کند». کاربرد نظریه نام‌گذاری درباره مابقی اجزای کلام اگر ناممکن نباشد، دست‌کم دشوار است» (پالمر، ۱۳۷۴، ص ۴۴).

باید متذکر شد «نامیدن چیزها»، مبحثی است که دیگران نیز بدان توجه کرده‌اند؛ ویلیام برایت «William Bright» نیز در تعریف اولیه، نام را اصطلاحی می‌داند که می‌تواند به هر چیزی ارجاع دهد (برایت، ۲۰۰۳، ص ۶۷۰). در ضمن یکی از تعاریفی که ضمن اشتغال بر حوزه‌های مختلف به ساختمان اسم توجه

تحلیل و بررسی نام تفاسیر همانند بقیه تألیفات، همواره می‌تواند اهداف و خاستگاه‌های اصلی و اساسی مدنظر نگارنده را تبیین کند. حال با توجه به موارد فوق، در این پژوهش هم‌زمان با اشاره به اسم، به ویژگی‌های آن و نیز دانش نام‌شناسی و کاربرد آن پرداخته و سپس نام تفاسیر عرفانی از منظر دانش نام‌شناسی و در رابطه با معنا و هسته معنایی تحلیل شده‌اند.

۲-۳- هدف از اجرا و کاربرد نتایج پژوهش

هدف از اجرای این پژوهش، استفاده از نام‌شناسی در تحلیل اسامی تفاسیری است که با رویکرد عرفانی نگاشته شده‌اند؛ زیرا یکی از روش‌های نقد متن، نسخه‌شناسی و تعیین و تشخیص هویت مؤلف یا مصنف یک اثر، مطالعه در نام آثار است. به عبارت دیگر، این پژوهش در راستای مطالعات میان‌رشته‌ای و بومی‌سازی یکی از علوم نوپدید یعنی نام‌شناسی حرکت خواهد کرد.

درباره کاربرد نتایج پژوهش باید گفت این پژوهش می‌تواند فتح بابی برای مطالعات قرآنی بویژه روش‌شناسی تفاسیر با رویکرد نام‌شناسی باشد و الگوی پژوهش‌های دیگری در این زمینه باشد. نتایج این پژوهش می‌تواند برای نهادها و انجمن‌های قرآنی، حدیثی و حتی ادبی کشور، مفید و پربار باشد. امید می‌رود این پژوهش مقدمه‌ای برای توسعه نام‌شناسی به‌ویژه در حوزه مطالعات اسلامی باشد و شایان توجه قرار گیرد.

در بخش بعدی درخور ذکر است مقصود از تفاسیر عرفانی، تمامی تفاسیر عرفانی است (چه کتاب‌هایی که محتوای کامل یا بخشی از آنها به جا مانده است. همچنین، آثاری که متن و محتوای آنها از بین رفته باشد؛ ولی نامشان باقی مانده باشد).

۳-۳- تقسیم‌بندی نام‌ها براساس موضوعات عرفانی

از آنجا که جریان تصوف و عرفان در گذر اعصار و قرون، تفاوت‌های فراوانی داشته و مکاتب مختلفی را به

کرده، از آن لوئیس ویلر است. او معتقد است: «نام، واژه یا ترکیبی از واژگان است که شخص، مکان، شیء، طبقه یا اندیشه‌ای را مشخص می‌کند یا می‌شناساند» (ویلر، ۲۰۱۸، ص ۱).

در گذر از تعریف، باید به حوزه‌های مختلف نام‌شناسی اشاره کرد: نام جای‌ها (Toponymy)، نام کسان (Anthroponymy)، نام اقوام (Ethnonymy) و نام اشیاء (Chrematonymy). یکی از عرصه‌های قابل تحقیق در حوزه نام‌شناسی و از جلوه‌های نام اشیاء، عناوینی است که مؤلفان بر آثار خود می‌نهند که در اینجا با همین بخش سروکار داریم.

۳-۱- تفاسیر عرفانی از منظر نام‌شناسی

نام‌گذاری آثار علمی که معمولاً گویای موضوع اثر است، همواره برای نگارنده و مخاطب از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ اما در قلمرو تفاسیر قرآنی، دیگر موضوع، نقطه تمرکز نیست؛ بلکه باید به افکار، اعتقادات، اهداف گرایش فکری و مذهب تفسیری مفسر دقت کرد.

در این پژوهش به‌منظور تحدید دامنه مطالعه، از میان گرایش‌های مختلف تفسیری، گرایش «عرفانی» انتخاب شده است؛ به همین دلیل، تحلیل و بررسی نام این آثار توسط دانش نام‌شناسی می‌تواند مسائل فراوانی را درباره فکر و عقیده نگارندگان، میزان پیوند یا گسستگی نام و آثار، مشرب و گرایش فکری نگارنده و ... را روشن کند؛ برای نمونه، تحلیل عنوان کشف الأسرار و عده الأبرار تفسیری از رشیدالدین میبیدی، به این نتیجه می‌انجامد که در وهله نخست، «کشف‌کردن» به معنای آنچه با تأمل در ظاهر به دست نمی‌آید، حائز اهمیت است؛ همچنین، واژه «اسرار» نیز حاوی نگرش خاص نویسنده، یعنی تأکید بر ذویطون بودن قرآن است. واژه ابرار نیز در بافت زمانی آن که به صوفیه اشاره داشت، دقیقاً گرایش عرفانی را نشان می‌دهد.

با توجه به تعاریف فوق، این نتیجه به دست می‌آید که

خود دیده است، تفاسیر نگاشته‌شده در این مکتب نیز تغییراتی به خود دیده است. از همین نظر، تفاسیر عرفانی نیز از این تغییرات بی‌نصیب نمانده است؛ برای مثال، برخی از مفسران مدار عرفان را بر حقیقت‌جویی و «حقایق» متمرکز می‌دیده‌اند؛ برای همین استفاده از واژه «حقایق» در این گروه بیشتر به کار رفته است. گروهی دیگر به جنبه‌هایی از تفسیر می‌پرداختند که در آنها عرفان کاربرد دارد یا براساس آنها معنا پیدا می‌کند؛ مانند نور و انوار؛ به همین دلیل، در این گروه، واژه‌های «نور» یا «انوار» کانون نام تفسیر را تشکیل می‌دهند و بقیه اجزای نام‌ها اهمال می‌شوند؛ به همین دلیل، می‌توان تفاسیر عرفانی را براساس موضوع اصلی و کانونی نامشان به هفت دسته و گروه تقسیم کرد:

نخستین گروه شامل کتاب‌هایی از جمله: *حقائق التفسیر، بحر الحقائق، مرآة الحقائق و حدائق الحقایق* است که واژه «حقایق» مقصود و مدار اصلی این تفاسیر است.

گروه دوم شامل آثاری مانند: *کشف الاسرار، اسرار الآیات، مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار و معدن الاسرار* است که واژه «اسرار» کانون نام عنوان این قبیل تفاسیر را تشکیل می‌دهد.

گروه سوم شامل آثاری است که «بیان» را کانون خود قرار داده‌اند؛ مانند: *روح البیان، اعجاز البیان و عرائس البیان*.

گروه چهارم دربرگیرنده آثاری هستند که با عنوان «انوار» از آنها یاد شده است؛ مانند *انوار درخشان، خزائن الانوار، مشکاه الانوار و رساله الانوار*.

گروه پنجم شامل آثاری است که موضوع آنها فقط اسرار یا حقائق نیست؛ بلکه دیگر جنبه‌های عرفان را شامل می‌شوند؛ به این معنا که بخشی از این آثار با عرفان به معنای خاص در پیوندند؛ *تحفه الفتی فی تفسیر سوره هل أتی و بوارق القهر فی تفسیر سوره الدهر*، اگر در دسته نخست، گرانیگاه نام اثر «حقائق» بود، در اینجا کانون

نام اثر قسمت «تحفه» و «بوارق» است.

گروه ششم آثاری را در بر می‌گیرد که بخش اصلی عنوان آنها بر «عشق» و «محبت» متمرکز شده است؛ از این دست آثار می‌توان به *اسرار العشق، مونس العشاق و بحر المحبه* اشاره کرد.

گروه هفتم دربردارنده کتاب‌هایی است که بر واژه «بحر» و «بحار» تمرکز کرده‌اند؛ از این گروه می‌توان به *البحر الخضم، البحر المدید، مجمع البحار و بحر الاسرار* اشاره کرد.

چنانچه ملاحظه شده است بیشتر این نام‌ها از چند قسمت تشکیل شده‌اند؛ به این معنا که نام بیشتر تفاسیر عرفانی، اسمی مرکب یا چندبخشی هستند که می‌توان از جوانب مختلفی آنها را تحلیل کرد. یکی از مهم‌ترین جوانب این مسئله، تحلیل و بررسی این اسامی از نظر معنایی و هسته معنایی است که در بخش بعدی به آن اشاره می‌شود.

۴-۳- گروه‌بندی نام تفاسیر عرفانی براساس ساختار نام‌ها

ابتدا کلمات مرکبی معرفی می‌شوند که از دو یا چند تکواژ مستقل تشکیل شده‌اند. در این ساختار، تفکیک‌ناپذیری و یک‌معنا داشتن اجزا، شرط بسیار مهمی است؛ برای مثال، کلمه کتابخانه از دو تکواژ مستقل تشکیل شده است و این دو تکواژ در کنار هم معنایی را به وجود می‌آورند که خانه و کتاب نیست؛ بلکه اشاره به نشانه‌های دیگری دارد. از نظر هیرس، ترکیب‌پذیری به این معناست که معنای کل، تابعی نظام‌مند از معنای اجزای آن است (به نقل از سبزواری، ۱۳۹۲، ص ۵۹). به سخن دیگر، اساس ترکیب، پیوند دو هجا با یکدیگر است؛ به طوری که می‌توان واژه جدیدی به دست آورد (طباطبایی، ۱۳۸۲، ص ۲۲۰). آنچه مهم است رابطه معنایی بین اجزای اسم و نحوه پیوند اجزای ترکیب است. همچنین، اینکه کدام یک از اجزا در این ترکیب مؤثرتر است.

ارجاع با استفاده از مفاهیم اجزا، اما در خارج از ترکیب است. برعکس برون‌مرکزها، دوتایی‌ها به لحاظ معنایی شفاف‌اند و معنای ترکیب را می‌توان از اجزای آنها استنباط کرد. در عین حال و برعکس درون‌مرکزها، هیچ‌یک از اجزا در شمول معنایی دیگری نیست؛ برای مثال، کت و شلوار نه نوعی کت است نه شلوار. آینه و شمعدان، تر و تمیز، کشک و بادمجان (سبزواری، ۱۳۹۲، ص ۵۸).

بخش چهارم، اسامی مرکب دوسویه یا بدلی: این حالت زمانی اتفاق می‌افتد که هر دو پایه کلمه مرکب به مرجع واحدی دلالت کنند. به عبارتی، هر کدام از دو پایه را می‌توان هسته‌ای قلمداد کرد که با کل کلمه مرکب شمول معنایی داشته باشد (شقایق، ۱۳۹۳، ص ۱۲۴). برخی از اندیشمندان این گروه، اسامی مرکب را زیرگروهی از دوتایی‌ها می‌دانند؛ زیرا معنای این ترکیب‌ها مانند دوتایی‌ها حاصل ترکیب دو جزء است؛ اما برخلاف اسامی مرکب دوتایی، هر دو جزء هسته معنایی هستند و ترکیب دو هسته‌ای است: سرباز معلم، سگ‌توله (سبزواری، ۱۳۹۲، ص ۵۸).

درنهایت با توجه به آنچه در بالا آمد، دسته‌بندی‌هایی از این قبیل به معنای این نیست که همه اسامی مرکب زبان در یکی از رده‌های مذکور جای می‌گیرد و چه‌بسا می‌توان از دیگر رده‌بندی‌ها نیز بهره برد؛ همانطور که اشاره شد برخی از رده‌بندی‌ها به کلمات فاقد هسته یا هسته نامشخص اشاره کرده‌اند. به عبارتی، فرایند ترکیب در زبان فارسی بسیار گسترده است (دستور زبان فارسی، ۱۳۸۷، ص ۲۶۵) و چه‌بسا بتوان اسامی مرکب را به صورت «ترکیب‌های عطفی» و «ترکیب‌های اضافی» و «ترکیب‌های وصفی» تقسیم کرد (دستور زبان فارسی: ۲۶۶-۲۶۵؛ فرشیدورد، ۱۳۷۳، ص ۱۳۶).

تجزیه و تحلیل اینکه کدام مؤلفه‌های ترکیب برای نگارنده حائز اهمیت است و کدام یک از اجزای ترکیب کانون را تشکیل می‌دهند، در روشن شدن بسیاری از مؤلفه‌هایی که از طریق نام منتقل می‌شوند، مؤثر است.

تقسیم اسم گاهی براساس ساختار است و گاهی از نظر نحوی و از نظر ساختار اسم به ساده، مشتق، مرکب و مشتق-مرکب تقسیم شده است. در این میان، اسامی مرکب به اشکال مختلف طبقه‌بندی می‌شوند؛ برای مثال: برخی آنها را از نظر ساختاری تقسیم کردند. از این دیدگاه چنین واژگانی را به سه دسته کلمات مرکب «دارای هسته»، «فاقد هسته» و «نامشخص» تقسیم کرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۸۲، ص ۱۵۶). برخی نیز انواع اسم‌های مرکب را از لحاظ معنا و وضعیت هسته معنایی دسته‌بندی کرده‌اند. براساس این دیدگاه، اسامی مرکب در چهار دسته بررسی می‌شوند:

بخش اول، اسامی مرکب درون‌مرکز: در این نوع، هسته نحوی و معنایی یکسان است و مقوله ترکیب براساس مقوله یکی از اجزای آن تعیین می‌شود که همان هسته است. جزء دیگر ترکیب، توصیف‌گر آن است که معنای هسته را تحدید می‌کند؛ مانند: آلو خراسانی، آینه‌بغل (سبزواری، ۱۳۹۲، ص ۵۷).

بخش دوم، اسامی مرکب برون‌مرکز: «به کلمه‌ای که از دو واژه ساخته شده است و هیچ‌کدام، هسته کلمه مرکب نیستند و با آن شمول معنایی ندارند، برون‌مرکز می‌گویند. درواقع، کلمه مرکب به عنصری مختلف از پایه‌های خود اشاره می‌کند که درون کلمه مرکب قرار ندارد؛ برای مثال، کلمه مرکب «گردن‌کلفت» به مصداق «گردن» یا «کلفت» دلالت نمی‌کند» (شقایق، ۱۳۹۳، ص ۱۲۴).

بخش سوم، متوازن: برخی دیگر این نوع اسامی را دوتایی/عطفی/هم‌پایه نامیده‌اند. از نظر آنان، این نوع اسامی مرکب، مانند برون‌مرکزها هستند؛ از این نظر که هیچ‌یک از اجزای ترکیب، هسته معنایی نیستند. در این ترکیب‌ها

۳-۵- تحلیل نام تفاسیر عرفانی از منظر معنا و هسته

معنایی

حال اگر نام‌های تفاسیر عرفانی از نظر ترکیب یا به‌طور مشخص هسته معنایی بررسی و تحلیل شوند، باید گفت کانون نام عنوان تفاسیر عرفانی با توجه به عربی بودن نام‌ها باعث شده است کانون نام دچار دگرگونی شود؛ به همین دلیل، کار ما در اینجا کمی متفاوت است. حال با توجه به گروه‌های ذکر شده در بخش‌های قبل، ساختارهای گروه نخست یعنی: *حَقَائِقِ التَّفْسِيرِ، بَحْرِ الحَقَائِقِ، مِرْآة الحَقَائِقِ و حَدَائِقِ الحَقَائِقِ*، بیشتر از گونه ترکیبات اضافی‌اند. اگر مرکز ترکیب در همه این موارد تبیین شود، باید گفت: *بجز حَقَائِقِ التَّفْسِيرِ*، بخش دوم یعنی «حَقَائِقِ» مرکز ترکیب قرار دارد و هسته ترکیب را تشکیل می‌دهد؛ برعکس مثال «آینه بغل» که در آنجا ذکر شد که بخش اول یعنی «آینه» به‌عنوان هسته تلقی می‌شود، اینجا بخش دوم نام به‌عنوان هسته و مرکز تلقی می‌شود. در اینجا شایان ذکر است این قبیل نام‌ها در دسته اسامی مرکب قرار می‌گیرند، آن هم با هسته پایانی.

همین خاصیت در گروه دوم نیز می‌تواند دخیل شود؛ البته این ویژگی به گونه‌ای دیگر نیز دیده می‌شود؛ زیرا در این گروه واژه «اسرار» همانند واژه «حَقَائِقِ» در گروه اول عمل می‌کند و نقش درون‌مرکزی را دارد؛ در صورتی که واژه «اسرار» در این گروه به شکل‌های گوناگونی اعم از هسته ترکیب، گاهی وابسته و بعضی اوقات نیز در ترکیب نام، اثر «جار و مجرور» دیده می‌شود که در این صورت می‌توان تمامی ساختار را به‌صورت اضافی نیز در نظر گرفت. با توجه به مباحث پیشین، همه این نام‌ها در شکل اضافی‌اند؛ اما با این حال، شاید نتوان همه اسامی این گروه را براساس درون یا برون‌مرکزی بودن، دسته‌بندی کرد؛ البته تکرار واژه «اسرار» در همه نام‌های این گروه، نشان از اهمیت وافر نگارندگان تفاسیر این گروه به این اصطلاح است.

ویژگی درون‌مرکز بودن که در گروه‌های اول و دوم

دیده شد، در برخی از نام‌های گروه سوم نیز شایان توجه است. در بیشتر موارد گروه سوم (روح البیان، اعجاز البیان و عرائس البیان) با اینکه «بیان» در قسمت دوم ترکیب یا همان جایگاه مضاف‌الیه قرار گرفته، هسته ترکیب نام‌ها همان بخش نخست آنها است؛ یعنی: روح، اعجاز و عرائس. هسته‌های ذکر شده همگی به شیوه‌ای به حیطه «اعجاز» یا «باطن» و «امور ماورایی» اشاره می‌کنند. نکته درخور توجه در این گروه این است که باوجود اینکه می‌توان ترکیب را عاری از هسته دانست و در همه نام‌ها واژه «بیان» دیده می‌شود، شیوه ساختاری نام نشان می‌دهد در این نمونه‌ها نیز «روح/اعجاز/عرائس» کانون ترکیب‌اند.

گروه چهارم تفاسیر عرفانی با دیگر گروه‌های این پژوهش تفاوت خاصی ندارد. نکته حائز اهمیت این است که در این گروه، کلماتی که ناظر بر مباحث «کشف» و «بیان» کلام باشند، دیده نمی‌شود در جایگاه هسته ترکیب قرار نگرفته‌اند. اسامی که در این گروه جای گرفته‌اند، عبارت‌اند از: انوار درخشان، خزائن الانوار، مشکاه الانوار و رساله الانوار. ملاحظه می‌شود اسامی این گروه اغلب از گونه ترکیبات اضافی‌اند. اگر مرکز ترکیب در همه این موارد روشن شود، باید گفت به‌جز انوار درخشان، بخش دوم یعنی «الانوار» مرکز ترکیب است. این گروه نیز با گروه اول مشابهت زیادی را داراست و در موارد ذکر شده، بخش دوم یعنی «الانوار» هسته ترکیب را تشکیل می‌دهد. به‌طور خلاصه، این‌گونه نام‌ها همانند گروه نخست، در شمول اسامی مرکب با هسته پایانی‌اند.

گروه پنجم تفاسیر عرفانی با دیگر گروه‌های این پژوهش بسیار متفاوت است. ساختار این اسامی بسیار بزرگ‌تر از دیگر گروه‌های یاد شده است. علاوه بر اینکه در این بخش، واژگانی مانند «اسرار» یا «حَقَائِقِ» مشاهده نمی‌شوند. نکته درخور توجه در اینجا این است که در این گروه، کلماتی که ناظر بر مباحث «بیانی» کلام باشند، در جایگاه هسته ترکیب قرار نگرفته‌اند.

نام اثر «جار و مجرور» دیده می‌شود که در این صورت می‌توان تمامی ساختار را به‌صورت اضافی در نظر گرفت. بدین ترتیب، همه این نام‌ها نیز در شکل اضافی‌اند؛ یعنی کانون ترکیب، چه در شکل نام‌های دوبخشی و چه در شکل ترکیب‌های وسیع‌تر، اضافی است. با توجه به این مسئله، شاید نتوان همه نام‌های این گروه را براساس درون یا برون‌مرکزی بودن دسته‌بندی کرد؛ اما تکرار «عشق»، «عشاق» و «محبت» در همه آنها کانونی بودن آن و توجه مفسران به این اصطلاح را نشان می‌دهد.

در گروه هفتم، البحر الخضم، البحر المدید، مجمع البحار و بحر الاسرار قرار می‌گیرند. این تفاسیر نیز در ضمن ترکیبات اضافی‌اند که گویا در آنها به‌جز مجمع البحار، مضاف‌الیه یعنی «بحر» کانون ترکیب است؛ چنانکه در اینجا «بحر/بحار» واژه اصلی مؤلف است. نام کتاب‌های زیادی نیز مبتنی بر همین نگرش است. به سخن دیگر، «بحر»، «بحار» یا «المحیط» تحت الشعاع قرار گرفته‌اند و کانونی بودن آن را نشان می‌دهد.

نام‌هایی مانند: تحفه الفتی فی تفسیر سوره هل اُتی و بوارق القهر فی تفسیر سوره الدهر، از این جمله نام‌ها هستند. در ضمن، نام‌های این گروه می‌توانند در گروه ترکیبات مرکب اضافی قرار گیرند؛ در این گونه نام‌ها می‌توان جار و مجرور در «فی تفسیر سوره هل اُتی و فی تفسیر سوره الدهر» را به‌عنوان شارح و مبین واژه‌ها، نخستین ساختار در نظر گرفت و تمامی ترکیب را در حیطه ترکیب‌های اضافی حساب کرد. در ضمن، در این گروه، «عرائس البیان فی تفسیر القرآن» نیز می‌تواند جای گیرد. این نام را می‌توان در شمول اسامی بدلی قرار داد. همانطور که بیان شد آنچه تمامی این موارد را در کنار هم قرار داده، تأکید آنها بر قسمت اصلی، یعنی قسمت اول نام این تفاسیر است.

گروه ششم شامل آثاری است که واژه «عشق» یا «محبت» را کانون خود قرار داده‌اند؛ در این گروه آثاری مانند: رساله فی حقیقت العشق، اسرار العشق، مونس العشاق و بحر المحبه هستند. همانطور که ملاحظه شد در اینجا واژگان «عشق» و «محبت» به شکل‌های گوناگونی اعم از هسته ترکیب، گاهی وابسته و زمانی هم در ترکیب

جدول تفاسیر عرفانی

تفسیر عرفانی جامع (چند سوره و کامل)							
ردیف	کتاب	مؤلف	موضوع	زبان	جلد	قرن	مذهب
۱	تفسیر التستری	تستری ابومحمد سهل بن عبدالله (م ۲۸۳ ق)	عرفانی	عربی	۱	۳	سنی
۲	حقائق التفسیر	سَلْمی محمد بن حسین (م ۴۱۲ ق)	عرفانی	عربی	۱	۴	سنی
۳	لطائف الاشارات	قشیری، عبدالکریم بن هوازن (م ۴۶۵ ق)	عرفانی	عربی	۳	۵	سنی
۴	کشف الأسرار و عده الأبرار	رشیدالدین میبیدی احمد بن ابی سعد (قرن ۶)	عرفانی	فارسی	۱۰	۶	سنی
۵	تفسیر الشهرستانی المسمی مفاتیح الأسرار و مصابیح الأبرار	شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (م ۵۴۸ ق)	عرفانی، کلامی	عربی	۲	۶	شیعه (اسماعیلی)
۶	تفسیر بصائر یمینی	نیشابوری، محمد بن محمود (۵۹۹)	عرفانی	فارسی	۴	۶	سنی
۷	رحمه من الرحمن فی تفسیر و اشارات القرآن	ابن عربی ابو عبدالله محیی الدین محمد بن علی (م ۶۳۸ ق)	عرفانی	عربی	۴	۶	سنی

۸	تفسیر القرآن الکریم ابن عربی (تأویلات عبد الرزاق)	ابن عربی ابو عبدالله محی الدین محمد بن علی (م ۶۳۸ ق)	عرفانی	عربی	۲	۷	سنی
۹	عرائس البیان فی حقائق القرآن	روزبهان بقلی، روزبهان بن ابی نصر (۵۲۲-۶۰۶)	عرفانی	عربی	۳	۷	سنی
۱۰	معارف، مجموعه مواعظ و کلمات سید برهان‌الدین محقق ترمذی	محقق ترمذی، برهان‌الدین حسین (م ۶۳۷ ق)	عرفانی	فارسی	۱	۷	سنی
۱۱	بحر الحقائق و المعانی فی تفسیر السبع المثانی المسمی بالتأویلات التَّجْمِیه	نجم رازی، عبدالله بن محمد (م ۶۵۴ ق)	عرفانی	عربی	۲	۷	سنی
۱۲	تأویلات نجمیه	نجم الدین رازی (۶۵۴ق) و علاءالدوله سمنانی	عرفانی	عربی	۵	۷	سنی
۱۳	تفسیر شریف البلابل القلاقل	حسنی واعظ، محمود بن محمد (قرن هفتم)	عرفانی	فارسی	۴	۸	شیعه
۱۴	تفسیر المحيط الأعظم و البحر الخضم فی تأویل کتاب الله العزیز المحکم	آملی سید حیدر بن علی (م ۷۸۲ ق)	عرفانی	عربی	۷	۸	شیعه
۱۵	تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان	نظام الاعرج، حسن بن محمد نیشابوری (م ۷۲۸ ق)	عرفانی ادبی	عربی	۶	۸	سنی
۱۶	تفسیر القرآن المسمی تبصیر الرحمن و تیسیر المثنان	مهائمی، علی بن احمد (۷۷۶-۸۳۵)	عرفانی	عربی	۲	۹	سنی
۱۷	جواهر التفسیر	کاشفی سبزواری حسین بن علی م ۹۱۱ ق	عرفانی	فارسی	۱	۹	شیعه
۱۸	الفواتح الالهیه و المفاتیح الغیبیه الموضحة للکلم القرآنیه و الحکم الفرقانیه	نخجوانی نعمت الله بن محمود (م ۹۲۰ ق)	عرفانی	عربی	۲	۱۰	سنی
۱۹	تفسیر حسینی (مواهب علیه)	کاشفی، حسین بن علی (م ۹۱۰ ق)	عرفانی ادبی	فارسی	۱	۱۰	سنی
۲۰	اسرار الآیات و انوار البینات	صدرالدین شیرازی، صدرالمثلهین محمد بن ابراهیم (م ۱۰۵۰ ق)	عرفانی	عربی	۱	۱۱	شیعه
۲۱	تفسیر القرآن الکریم (صدرا)	صدرالدین شیرازی، صدرالمثلهین محمد بن ابراهیم (م ۱۰۵۰ ق)	عرفانی فلسفی	عربی	۷	۱۱	شیعه
۲۲	تفسیر روح البیان	حقی بروسوی اسماعیل بن مصطفی (م ۱۱۳۷ ق)	عرفانی	عربی	۱۰	۱۲	سنی
۲۳	مرآة الحقائق فی تفسیر بعض الآیات و الأحادیث و الواردات و اللطائف	حقی بروسوی اسماعیل بن مصطفی (م ۱۱۳۷ ق)	عرفانی	عربی	۲	۱۲	سنی
۲۴	تفسیر ست سور	شریف کاشانی حبیب الله (م ۱۳۴۰ ق)	عرفانی	عربی	۱	۱۳	شیعه
۲۵	تفسیر منظوم	میرزا محمدعلی اصفهانی، نورعلیشاه (م ۱۲۱۲ ق)	عرفانی	فارسی	۱	۱۳	شیعه
۲۶	بحر الاسرار یا سبع المثانی	شیخ میرزا محمدتقی مظفر علیشاه (م ۱۲۱۵ ق)	عرفانی	فارسی	۱	۱۳	شیعه
۲۷	البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید	ابن عجیبه احمد بن محمد (م ۱۲۲۴ ق)	عرفانی	عربی	۶	۱۳	سنی
۲۸	روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی	شهاب الدین آلوسی (م ۱۲۷۱ ق)	جامع	عربی	۱۶	۱۳	سنی
۲۹	مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید	نووی جاوی محمد بن عمر (م ۱۳۱۶ ق)	عرفانی کلامی	عربی	۲	۱۴	سنی

۳۰	انوار درخشان	حسینی همدانی سید محمد حسین (م) (۱۳۲۲ ق)	فلسفی عرفانی	فارسی	۱۸	۱۴	شیعه
۳۱	بیان السَّعاده فی مقامات العباده	سلطان‌علی‌شاه، سلطان محمد بن حیدر گنابادی (م ۱۳۲۷ ق)	عرفانی	عربی	۱۴	۱۴	شیعه
۳۲	تفسیر قرآن صغی علی‌شاه	صغی علی‌شاه محمد حسن بن محمد (م ۱۳۱۶ ق)	عرفانی	فارسی منظوم	۱	۱۴	شیعه
۳۳	حجه التفاسیر و بلاغ الاکسیر یا من لایحضره المفسر و التفسیر	بلاغی، عبدالحجّه (م ۱۳۵۶ ق)	عرفانی	فارسی	۷	۱۴	شیعه
۳۴	مخزن العرفان در تفسیر قرآن	بانوی اصفهانی سیده نصرت امین (م ۱۳۰۸) (ق)	عرفانی کلامی	فارسی	۱۵	۱۴	شیعه
۳۵	مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن مستنبط	سید مرتضی موسوی تبریزی غروی (م ۱۳۹۱ ق)	عرفانی	عربی	۱	۱۴	شیعه
۳۶	ترجمه بیان السعاده فی مقامات العباده	خانی رضا/حشمت الله ریاضی (قرن ۱۵)	عرفانی	فارسی	۱۴	۱۵	شیعه
۳۷	اشراق	نریمان، علی (قرن ۱۵)	عرفانی	فارسی	۱	۱۵	شیعه

تفسیر عرفانی تک سوره							
ردیف	کتاب	مؤلف	موضوع	زبان	جلد	قرن	مذهب
۱	بحر المحبه	احمد غزالی (م ۵۲۰ ق)	عرفانی	عربی	۱	۶	سنی
۲	رساله فی حقیقت العشق یا مونس العشاق	سهروردی (م ۵۸۷ ق)	عرفانی	فارسی	۱	۶	شیعی
۳	اعجاز البیان فی تفسیر ام القرآن	قونوی صدرالدین محمد بن اسحاق بن یوسف (م ۶۷۳ ق)	عرفانی	عربی	۱	۷	سنی
۴	تفسیر سوره یوسف (ع) قصه یوسف (ع) الستین الجامع للطائف البساتین	احمد بن محمد بن زید طوسی (قرن ۷)	عرفانی	فارسی	۱	۷	سنی
۵	تفسیر سوره توحید	شاه نعمت الله ولی (م ۸۴۳ ق)	عرفانی	عربی	۱	۸	سنی
۶	تفسیر حدائق الحقایق (قسمت سوره یوسف)	فراهی هروی، معین‌الدین مشهور به ملامسکین (م ۹۰۸ ق)	عرفانی ادبی	فارسی	۱	۱۰	شیعه
۷	تحفه الفتی فی تفسیر سوره هل أتى	دشتکی، منصور بن محمد حدود (م ۹۴۸ ق)	فلسفی عرفانی	عربی فارسی	۱	۱۰	سنی
۸	خزائن الانوار و معادن الاخبار فی منقبه الاثمه الاطهار	میرمحمد رضا بن محمد مومن خاتون‌آبادی (م ۱۱۵۱ ق)	عرفانی ادبی	فارسی	۱	۱۲	شیعه
۹	مجمع البحار	شیخ میرزا محمدتقی مظفر غلیشاه (م) (۱۲۱۵ ق)	عرفانی فلسفی	فارسی	۱	۱۳	شیعه
۱۰	غنائم العارفين فی تفسیر القرآن المبين	شیخ محمد علی برغانی قزوینی (م ۱۲۶۹ ق)	عرفانی	عربی	۱	۱۳	شیعه
۱۱	بوارق القهر فی تفسیر سوره الدهر	شریف کاشانی ملا حبیب الله (م ۱۳۴۰ ق)	عرفانی فلسفی کلامی	عربی	۱	۱۳	شیعه
۱۲	اسرار العشق	درویش ناصر علی اسدالله بن محمود ایزدگشسب اصفهانی (م ۱۴۲۶ ق)	عرفانی	فارسی	۱	۱۴	شیعه

۱۳	تفسیر سوره حمد	امام خمینی ره (م ۱۴۰۹ق)	عرفانی	فارسی	۱	۱۵	شیعه
۱۴	ترجمه اعجاز البیان	خواجهی محمد (قرن ۱۵)	عرفانی	فارسی	۱	۱۵	شیعه

تفسیر عرفانی تک آیه							
ردیف	کتاب	مؤلف	موضوع	زبان	جلد	قرن	مذهب
۱	مشکاه الانوار	محمد غزالی (م ۵۵۰ ق)	عرفانی	عربی	۱	۵	سنی
۲	تفسیر آیه نور	ابن عربی ابو عبدالله محیی الدین محمد بن علی (م ۶۳۸ ق)	عرفانی	عربی	۱	۷	سنی
۳	تفسیر آیه نور	شاه نعمت‌الله ولی (م ۸۴۳ ق)	عرفانی	عربی	۱	۸	سنی
۴	رساله الأنوار فی معدن الأسرار	شرف‌الدین محمد نیمدهی (قرن ۹)	عرفانی	عربی	۱	۹	شیعه
۵	تفسیر آیه مبارکه نور	صدرالدین شیرازی صدرالمطالین محمد بن ابراهیم (۹۸۰-۱۰۵۰)	عرفانی	عربی	۱	۱۱	شیعه
۶	تفسیر آیه عرض امانت	فیض کاشانی (۱۰۹۱ق ۱۰۰۷ق)	عرفانی	فارسی	۱	۱۱	شیعه
۷	تفسیر آیه نور	محمد دارا شکوه (م ۱۰۶۹ ق)	عرفانی	فارسی	۱	۱۱	شیعه

۴- نتیجه‌گیری

سوره هل آتی و بوارق القهر فی تفسیر سوره الدهر» می‌توان جار و مجرور را مفسر مضاف دانست. در پایان باید به نام‌ها و عناوینی اشاره کرد که فاقد هسته مشخص‌اند؛ از این شمار باید به «رساله فی حقیقت العشق»، «اسرار العشق»، «مونس العشاق» و «بحر المحبه» اشاره کرد.

کتابنامه

پالمر، فرانک رابرت. (۱۳۷۴). نگاهی تازه به معنی‌شناسی. ترجمه کورش صفوی. تهران: مرکز. جرجانی، میرسید شریف. (۱۳۷۷). التعریفات. ترجمه حسن سیدعرب و سیما نوریخس. تهران: فرزانه‌روز. جمعی از مؤلفان. (۱۳۸۷). دستور زبان فارسی. تهران: مدرسه. رادویانی، محمد بن عمر. (۱۳۶۲). ترجمان البلاغه. به تصحیح و اهتمام احمد آتش. تهران: اساطیر. زندی، بهمن و احمدی، بهزاد. (۱۳۹۵). نام‌شناسی اجتماعی شناختی. حوزه نوین مطالعات میان رشته‌ای. فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، ۹(۱)،

در پژوهش حاضر، پس از احصای نام تفاسیر عرفانی متداول و معروف، کوشش شد واژه‌ای مشخص شود که نقش کانونی در نام‌گذاری داشته است. آنگاه اسامی در هفت گروه مجزا تقسیم و از نظر هسته معنایی تحلیل شد. نتایج نشان می‌دهند در نام‌هایی که واژه «حقائق» به‌عنوان مرکز نام استفاده شده و نام دارای ساختار اضافی است، می‌باید بخش دوم را به‌عنوان هسته ترکیب در نظر گرفت. به‌طور دقیق‌تر، این نام‌ها در زمره نام‌های مرکب درون‌مرکز و با هسته پایانی قرار دارند. این ویژگی در نام‌هایی دیده می‌شود که واژه «اسرار» در آنها به کار رفته است؛ در حالی که در بیشتر عناوین تفاسیری که واژه «بیان» در آنها استفاده شده است، از جمله: روح‌البیان، اعجاز البیان و عرائس البیان، هسته ترکیب، همان بخش اول نام است؛ یعنی واژگان «روح»، «اعجاز» و «عرائس». به عبارت دیگر، این نام‌ها جزء اسامی درون‌مرکز شمرده می‌شوند؛ اما نکته بسیار مهم در این تحقیق، نام‌هایی هستند که در ساختار آنها جار و مجرور دیده می‌شود. می‌توان این ساختارها را در گروه اسامی مرکب اضافی قرار داد؛ برای نمونه، در نام‌های «تحفه الفتی فی تفسیر

- Zandi, Bahman, and Ahmadi, Behzad. (2016). Cognitive Sociolinguistics of Onomastics: A New Field of Interdisciplinary Studies. *Journal of Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 9(1), 99-127. <https://doi.org/10.22631/isih.2017.2571.2972>
- Sabzevari, Mehdi. (2013). Explanation and Analysis of Semantic Relations in Standard Persian Exocentric Compounds. *Journal of Critical Studies in Texts and Programs of Humanities*, 12(1), 45-61.
- Shaqqi, Vida. (2014). *Fundamentals of Morphology*. Tehran: SAMT.
- Tabatabaei, Alaeddin. (2003). *Compound Nouns and Adjectives in Persian*. Tehran: University Publishing Center.
- Farshidvard, Khosro. (1994). *Arabic in Persian*. Tehran: University of Tehran.
- Farshidvard, Khosro. (2009). *Detailed Modern Grammar*. Tehran: Sokhan.
- Anderson, J. (2007). *The Grammar of Names*. Oxford University Press New York.
- Bright, W. (2003). What Is a Name? Reflections on Onomastics. *Language And Linguistics*, 4(4), 669_681.
- Wheeler, S. L. (2018). Autoethnographic onomastics: Transdisciplinary scholarship of personal names and 'our-stories'. *Methodological Innovations*, 11(1), 2059799118769818

۱۲۷-۹۹

<https://doi.org/10.22631/isih.2017.2571.2972>

- سبزواری، مهدی. (۱۳۹۲). تبیین و تحلیل رابطه‌های معنایی در اسامی مرکب برون‌مرکز فارسی معیار. *پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، ۱۲(۱)، ۶۱ - ۴۵.
- شقاقی، ویدا. (۱۳۹۳). مبانی صرف. تهران: سمت.
- طباطبائی، علاءالدین. (۱۳۸۲). اسم و صفت مرکب در زبان فارسی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- فرشیدورد، خسرو. (۱۳۷۳). عربی در فارسی. تهران: دانشگاه تهران.
- فرشیدورد، خسرو. (۱۳۸۸). دستور مفصل امروز. تهران: سخن.

- Anderson, J. (2007). *The Grammar of Names*. Oxford University Press New York.
- Bright, W. (2003). *What IS a Name? Reflections on Onomastics. Language And Linguistics*, 4(4), 669_681.
- Wheeler, S. L. (2018). *Autoethnographic onomastics: Transdisciplinary scholarship of personal names and 'our-stories'. Methodological Innovations*, 11(1), 2059799118769818

Bibliography

- Palmer, Frank Robert. (1995). *A New Look at Semantics*. Translated by Kurosh Safavi. Tehran: Markaz.
- Jurjani, Mir Seyed Sharif. (1998). *Al-Ta'rifat*. Translated by Hassan Seyyed Arab and Sima Nourbakhsh. Tehran: Farzan-e Rooz.
- Group of Authors. (2008). *Persian Grammar*. Tehran: Madreseh.
- Raduyani, Mohammad bin Omar. (1983). *Tarjoman al-Balagha*. Edited and annotated by Ahmad Atash. Tehran: Asatir.

